

عود بر آتش نهند و سکر سائند

مروری بر اخلاق مدیریت در گلستان سعدی

دکتر محمد جلالی، مدیر مدرسه و دبیر ادبیات، تهران



اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع و پروردگار حی و توانا

در این نوشته بر آنیم تا اخلاق و تدبیرهای مدیریتی را در گلستان سعدی، این اثر ماندگار، جست‌وجو کنیم. این موضوع در دو بخش ارائه می‌شود که بخش اول آن را در ادامه می‌خوانید.



فیض آسمانی!

شاید این شائبه به ذهن خوانندگان گرامی متبادر شود که شاعران را چه کار با مدیریت و راهبری؟ گوشه‌ای اختیار گزیده‌اند و به بیان احساسات و عواطف خویش پرداخته‌اند! باید گفت، به‌طور معمول، بزرگان ادب ما به پادشاهان زمان خود بسیار نزدیک بوده‌اند و بر ایشان تأثیرگذار. بسیاری از مسائل سیاسی و راهبردی را که حاکمان از دانایان غیر مسلح به فصاحت کلام پذیرا نبودند، از مجرای کلام این بزرگان پذیرا می‌شدند. شاعران همواره در دربار رفت‌وآمد داشتند و سیاست و راهبری تجربه زیسته ایشان در جوار حاکمان بوده است. وزرای عاقل و فرهیخته دست به دامن شاعران می‌شدند تا در قالب گفتاری نغز، اجرای امر، ترک فعل، تذکر، فروگذاشت کراهتی یا ارشاد به سعادت ارزشمندی را از حاکمان بخواهند.

ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد. پادشاهان به صحبت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قربت پادشاهان (سعدی، ص ۱۳).

خود شاعران هم بر این موضوع وقوف داشتند که تأثیر کلامشان سحرانگیز است و مخاطب را مسحور می‌کند:

زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی

سپاس‌دار که جز فیض آسمانی نیست (ص ۶۹۸)

اجمالاً هم‌نشینی شاعران با بزرگان و رفت‌وآمدشان در مراکز حکومتی و اهل مطالعه‌بودن ایشان بر تجربیانشان

افزوده و غالباً سعی کرده‌اند علاوه بر عهده‌داری سمت مشاوره حاکمان و لشکریان و کشوریان، در اداره امور کشور، با مکتوب کردن تجربیات خود، آن‌ها را به متأخران نیز منتقل کنند.

مردمان بخرد اندر هر زمان

راز دانش را به هر گونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند

تا به سنگ اندر همی بنگاشتند (رودکی)

آری، اگر علم امروز در این جایگاه است، پله‌های نخستین این نردبان ترقی را بزرگانی چون سعدی نهاده‌اند و هنوز هم ما برای رسیدن به اوج ترقی و موفقیت باید پا روی پله‌های اول این نردبان بگذاریم.

از جانبی دیگر هم اگر بنگریم، مگر نه آن است که مدیران باید به زور نصیحت‌گران در اخلاق و آداب متعالی آراسته شوند!

سخن را به جاده اطناب نیندازیم. می‌خواهیم با برداشت عبارتهایی از کتاب گلستان سعدی، سیری در «دُررِ موعظه‌های شافی» وی داشته باشیم و ببینیم که این طیب هوشیار چگونه «داروی تلخ نصیحت» را «به شهد ظرافت» برآمیخته است تا ما با رویکردی مدیریتی، تدبیر و درایت را از دریای شگرف آثار او صید کنیم.

به چه کار آیدت ز گل طَبَقی

از گلستان من ببر ورقی





بسیار دقت به خرج داد:

اگر ز باغ رعیت مَلک خورد سیبی
برآوردن غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشگریانش هزار مرغ به سیخ (سعدی، ص ۳۴).

سخن اندیشیده باید گفت و حرکت پسندیده کردن همه
خلق را علی العموم و پادشاهان را علی الخصوص؛ به موجب
آنکه بر دست و زبان ایشان هر چه رفته شود، هر آینه به
افواه^۳ گویند:

اگر صد ناپسند آید ز درویش
رفیقانش یکی از صد نداند
وگر یک بذله گوید پادشاهی

از اقلیمی به اقلیمی رسانند (ص ۱۱۵).

● برخی از مدیران در تصمیم گیری‌ها اولویت و ارجحیت
امور را به تحسین و تقبیح مدیر بالاتر از خود منوط می‌دانند
و بسیاری از مصالح را به سبب همین امر فرو می‌نهند. اینکه
نباید از مقررات و قوانین و چهارچوب‌ها عدول کرد، بر همه
مبرهن و مسلم است، اما کارها را بر این محور استوار کردن،
شجاعت را سلب می‌کند و تصمیم‌گیری منطقی را
تحت الشعاع قرار می‌دهد.

یکی از وزرا پیش ذوالنون^۴ مصری رفت و همت خواست
که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و به خیرش
امیدوار و از عقوبتش ترسان. ذوالنون بگریست و گفت: اگر
من خدای عزوجل را چنین پرستیدمی که تو سلطان راه، از
جمله صدیقان بودمی ... گر وزیر از خدا بترسیدی، همچنان
کز مَلک، مَلک بودی (ص ۴۰).

● مدیران هر روزه در جایگاه قضاوت‌اند و در مسائل
روزمره باید به داوری و اعمال نظر بپردازند. در این خصوص
ذکر چند نکته ضروری است:

یکی آنکه همواره باید مراقبت کرد تا هیچ‌گاه وام‌دار
شخصی دیگران نشویم، زیرا این امر میزان عدالت را در
وجود آدمی ناموزون می‌کند:

همه کس را دندان به ترشی کند شود، مگر قاضیان را که
به شیرینی!

قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار، ثابت کند از بهر تو
صد خربره‌زار (ص ۱۴۷)

و همواره مد نظرمان باشد:

بسا نام نیکوی پنجاه سال که یک نام زشتش کند پایمال
(ص ۱۰۶)

داور بر مسند داوری به مثابه جاهلی است بین دو عالم.
دو طرف دعوی بر مورد اختلاف اشراف دارند و واقعیت را
می‌دانند، ولی قاضی به حقیقت امر جاهل. اگر یقین بر ما
حاصل شد که فیها المراد و الا:

چون در امضای کاری متردد باشی آن طرف اختیار کن
که بی‌آزارتر برآید (ص ۱۳۲)

امید که توفیق دستگیر همه دست‌اندرکاران چرخه
تعلیم‌وتربیت باشد.

وگر سعادت و توفیق حق نگیرد دست به دست سعی تو
باد است تا نیمایی (ص ۷۳۹)

گل همین پنج روز و شش باشد

این گلستان همیشه خوش باشد (ص ۱۵)

● در سال‌های اخیر می‌شنویم: اگر کسی توان مدیریت
دارد، آن را از جامعه دریغ نرورد و توانمندی‌های خود را
برای تصدی مدیریت معرفی کند. سازمان‌ها هم راهکارهای
متعددی برای این امر تدارک دیده‌اند. باید سختی‌ها را به
جان خرید و شجاعت را چاشنی توانمندی کرد و به این
عرصه پای نهاد. سعدی می‌گوید:

خلاف راه صواب است و نقض رأی اولی‌الالباب: ذوالفقار
علی در نیام و زبان سعدی در کام (سعدی، ص ۱۴).

و در جای دیگر آمده است:

فضل و هنر ضایع است تا ننماید.

عود بر آتش نهند و شکر ساینند (ص ۸۰).

● بسیاری از مدیران دائماً از کمبود امکانات گلایه‌مندند
و مدام می‌گویند اگر فلان امکانات بود کاری می‌کردم
کارستان! همواره باید به‌خاطر داشت، کسانی در سمت‌های
مشابه، با امکاناتی کمتر، هم‌قطار ما هستند، اما با قدردانی
از امکانات اقل خود و استفاده حداکثری از آن، کارهایی
انجام می‌دهند که ما به سبب دل‌مشغولی کمبود امکانات،
هیچ‌گاه به ذهنمان خطور نکرده است. رفت‌وآمد به
مدرسه‌های کم‌برخوردار و دیدن دستاوردهای خلاقانه آنجا،
ما را به نهایت بهره‌برداری از امکانات موجود تهییج می‌کند
و خواهیم پذیرفت، اگر آن‌ها همین امکانات ما را داشتند،
عملکردشان بهتر بود.

اصولاً یکی از کارکردهای مدیریت، استفاده حداکثری
از امکانات حداقلی است: «هرگز از دور زمان ننالیده بودم
و روی از گردش آسمان درهم نکشیده. مگر وقتی که پایم
برهنه مانده بود و استطاعت پای‌پوشی نداشتم. به جامع
کوفه درآمد دل‌تنگ، یکی را دیدم که پای نداشت. سپس
نعمت حق به جای آوردم و بر بی‌کفشی صبر کردم» (ص ۷۶).

و در جای دیگر می‌گوید:

ای سیر تو را نان جوین خوش ننماید

معشوق من است آن که به نزدیک تو زشت است

حوران بهشتی را دوزخ بود اعراف^۵

از دوزخیان پرس که اعراف بهشت است (ص ۲۵).

● همه مدیران از سطوح ارشد تا سطوح میانی و حتی
دبیران که مدیریت مهم کلاس را عهده‌دار هستند، رفتار و
کردارشان سرمشق و خط تبعیت رفتار شخصی و سازمانی
زیرمجموعه‌شان است. پس در رفتار و کردار خویش باید

پی‌نوشت‌ها

۱. خردمند، دانا
۲. جایی میان بهشت و دوزخ
۳. دهان‌ها
۴. از عارفان مشهور قرن سوم هجری

منابع

۱. شیخ‌مصالح‌الدین سعدی شیرازی (۱۳۸۳). کلیات. تصحیح محمدعلی فروغی. نشر نامک. تهران.
۲. سعدی (۱۳۸۳). متن کامل دیوان. به تصحیح دکتر مظاهر مصفا. نشر روزنه. تهران.

۳۳

رشد مدیریت مدرسه
دوره ۲۰
شماره ۲
آبان ۱۴۰۰

